

تاریخانه کرامحان

سید علی حسینی و فراتجربیات

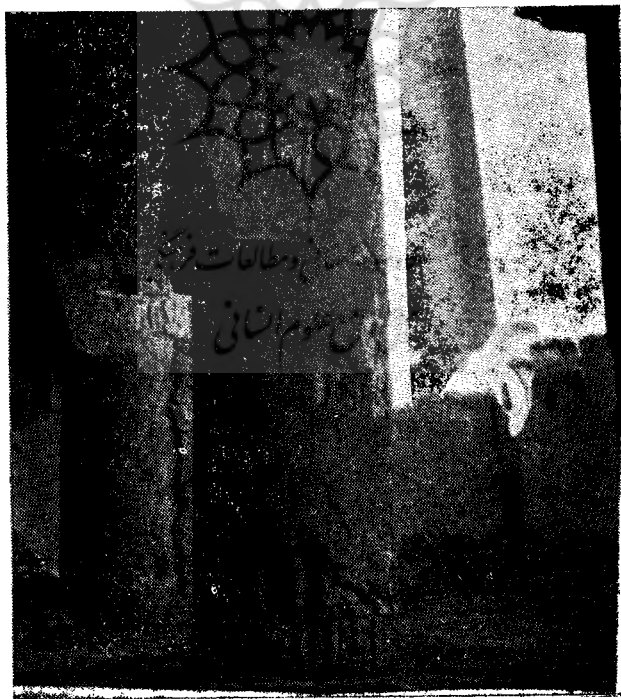
— ۲ —

بقلم مسیو گدار

مدیر کل اداره عتیقات

در قسمت اول این مقاله که در شماره بیست و یکم طبع شد اشتباهی در صفحه بندی رخ داده است بدین ترتیب که قسمت آخر مقاله در صفحه ۶۱ طبع شده . بنابراین خوانندگان محترم بایستی مطالب صفحه ۶۱ را پس از اتمام مطالب صفحه ۶۲ مطالعه فرمایند و مقاله این شماره دنباله مطالب صفحه ۶۱ است

معدلك ممكن است در ایران مساجدی باشد که نه فقط نقشه آن بلکه طرز ساختمان آن هم دارای طاق های ضربی بر روی ستونها یا جرز هائی باشد که از مغرب معمول شده است با اینکه چنین مساجدی بیابند ولی من گمان نمی کنم و اگر هم باشد بایستی اعراب خود آنرا ساخته باشند . زیرا که فی الحقیقه نقشه هر بنای مذهبی حالت روحانی و مقدسی دارد که در طرز ساختمان آن بهیچوجه نیست مساجد ایران خود دلیلی بر این نکته است . کلیسا های اروپا که از آجر یا چوب و یا سنگ و آهن ساخته اند و سقف یا طاق دارد دلیل دیگری است . معماران جدید که بخود می نازند که تمام مسائل معماری را تابع منطق قرار داده اند و مدعی هستند



شکل ۲

که در مطالعات خود هر قسم نظر نیاکان خویش را رها کرده اند - کلیساهائی با صاروج و سیمان مسلح بنا می کنند که نقشه های آن ها به سبک معماری قدیم یا قرون وسطی است و نتیجه همان است. پس گمان نمیکنم که ایرانیان پس از آن که نقشه مساجد را دریافت کرده اند مجبور بوده باشند که در همان ضمن اصول ساختمان معمول معماران مساجد اولیه مغرب را هم بپذیرند. وانگهی چنین بنظر می آید که ایرانیان مدت زمانی بناهایی را که مطابق این اصول باشد بسیار پسندیده اند؛ ایوان بزرگی به طرز بناهای ساسانی دارای طاق ضربی و بنا بر جهت قبه در میان فضا مربع مستطیل وسیعی که از اطراف دیوار داشته باشد .



شکل ۲ مکرر

ولی در سوریه و مصر و حجاز و غیره بر روی ستونهای مساجد اولیه طاق نماهای متوازی ساخته شده که نمای آن بطرف صحن مسجد است و بدین ترتیب رواق آنها مرکب از یک سلسله طاق های موازی است با دیوار محراب، و در مساجد ستون دار رقه و سامره و مسجد ابن طولون و غیره جرز- های مربع مستطیل از طرف طول بانماهای صحن مسجد موازی است و بدین طریق در رواق حالت طاقهای موازی با دیوار روبرو دارد. ستونهای تازی خانه دارای طاقهای ضربی وسیعی است که موازی با نماهاست و در تمام طول خود از طرف بیرون یعنی از طرف صحن مسجد باز است و مانند ایوانهای

واقعی بناهای زمان ساسانیان است. این طرز ساختمان بکلی ایرانی است. بقیه بنا با قسمت های دیگر آن متناسب است.

طاقهای آن طاق رومی نیست و حتی از آن طاقهای منکسر هم نیست که آنها را طاق ایرانی می نامند و استعمال آن در ایران و در اطراف ایران از زمان بنی عباس بعد معمول شده ولی طاقهای کامل دوره ساسانیان است که زنجیره دار میساختند و مرکب ازدو پایه مرتفع است.

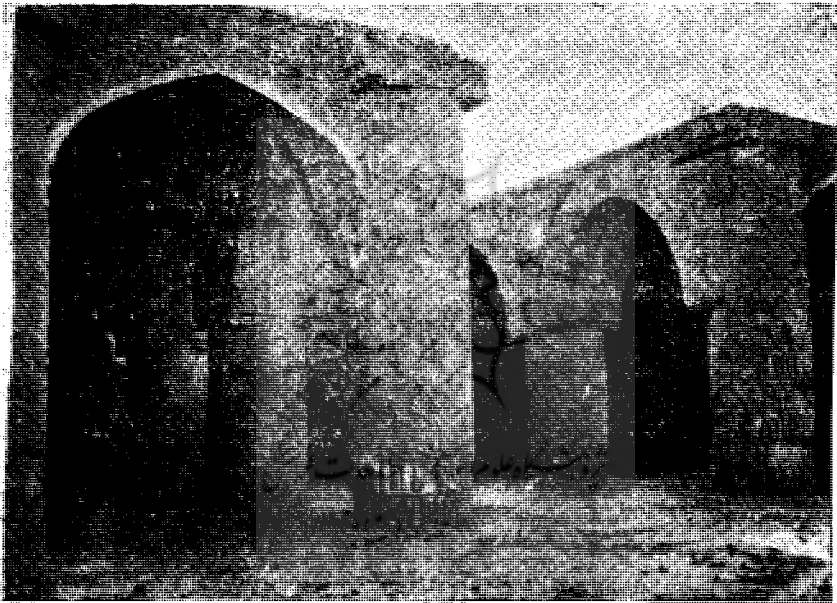
از طرف دیگر هیئت امریکائی که در دامغان حفاریات می کند در ۱۹۳۱ در نزدیکی شهر در تپه ای که معروفست به تپه حصار معبدی از زمان ساسانیان یافته است که اصلاً مرکبست از ایوان وسیعی که منتهی به طالار مریبی می شود که سقف آن گنبد دارد و آتشکده بوده است. این ایوان مرکب از سه اطاق است که بوسیله یک سلسله ستونهای که روی آنها طاقهای ضریبی زده اند نسبت بخارج بحال عمودی است. قسمت یائین بعضی از این ستونها را یافته اند. ستونهای مزبور را از آجر های یمن مریبی ساخته اند که ۳۰ سانتی متر مساحت آن و ۸ سانتی متر قطر آن است و آجرها را متناوباً روی هم گاهی از قطر و گاهی از ارتفاع کار گذارده اند. ستونهای مزبور بضمیمه زینت های خود یک متر و ۷۲ سانتی متر قطر دارند. در زیر آنها پی ساخته نشده و هر ستونی را بر روی یک ورقه آجر ساخته اند و آجرها را از طرف قطر کار گذاشته اند و فقط نزدیک ۱۵ سانتی متر در زمین فرو برده اند.



شکل ۴

این طرز ساختمان که از هر حیث نماینده دوره ساسانیان

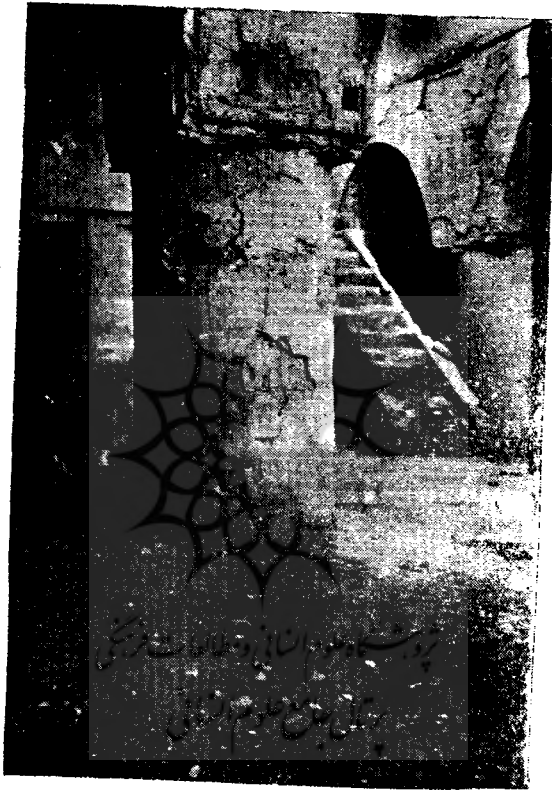
است و در دوره اشکانیان هم معمول بوده همان سبکی است که در تاری خانه دیده می شود. تمام جزئیات همان است آجر های آن بحد وسط ۳۴ سانتی متر مساحت در ۷۰ میلی متر قطر دارند. نبودن پی هم مانند همان بنای ساسانی است و همانطور جزرها را بر روی يك ردیف آجری که از قطر کار گذاشته اند بالا برده اند. ستونهای رواق يك متر و ۶۰ سانتی متر قطر دارند یعنی اندکی کمتر از جزر های تپه حصار ولی اگر در نظر بگیریم که جزر های معبد ساسانی پوشیده از گچ بریهای است که ۶ سانتی متر قطر دارد و جزر های تاری خانه فعلا جز يك ورقه روکش نازکی از صاروج ندارد یا اینکه از اول هم نداشته است معلوم می شود که قطر جزرها بدون روکش و گچ بری در هر دو بنا مطلقا یکی است.



شکل ۵

پس هیچ شك نیست که از حیث ساختمان و اشکال و فن معماری تاری خانه بنائی از زمان ساسانیان و بنای کاملاً ایرانی است و هیچ رابطه با مساجد مغرب ندارد. تاری خانه در دو طرف شمال غربی و جنوب شرقی متعلقاتی داشته که میتوان گفت اینک ازمیان رفته. از طرف شمال غربی سه در بوده است و پنج در دیگر از طرف شمال شرقی بطالار هائی باز می شده که اینک خراب است. ممکن است سؤال کنند بچه چه هنوز قسمتی از مسجد باقی است و حال آنکه از بقیه آن فقط بعضی دیوارهای ناقصی مانده است. زیرا که در ساختن متعلقات ۱- قطر جزرهای رواق اندکی کمتر و یکمتر و ۶ سانتی متر است.

مسجد خشت خام بکار برده اند ولی ستونها و طاقهای ضریبی مسجد یعنی آن قسمت هائی را که باقی مانده است با آجر ساخته اند. از طرف دیگر طاقهای ایوانها را که باخشت ساخته اند بدون استئنا فرو ریخته و از میان رفته است. برای اطلاع مازحالات روزهای اول فقط پایه یکی از آن طاقها مانده (شکل ۴) و در بعضی جاها دیوار اطراف خوشبختانه شکل دیوارهای رو برو را نشان میدهد (شکل ۴).

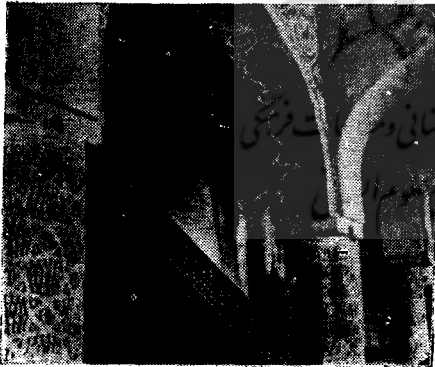


شکل ۶

فی الحقیقه باید طاقهای کلایی و کنبه هائی را که امروز وجود دارد نباید از همان زمان دانست و نباید تصور کرد که در موقع تعمیر همان حال اول را اعاده داده اند زیرا که این قسمتها را فقط چند سال پیش ساخته اند. در آن زمان تمام ایوانها بحال همان ایوان مرکزی مسجد است که امروز دیده می شود (شکل ۵). رواق این مسجد طاق نداشته و بکلی بی سقف بوده و بنای محلی که مامور اصلاح آن شده است بجای اینکه طاقهای ضریبی سابق را بسازد

از بالای ستونی بی‌الای ستون دیگر و موازی با دیوار رو بقبله دستک‌های کار گذاشته و روی آنها گنبد های کوچکی را که معمول معماری امروز ایرانست ساخته است. وانگهی سهولت میتوان دانست که ستونهای محکم تاری خانه برای آن نبوده است که این چنین گنبد های سبک و نازک را روی آن بسازد و در اصل هیچ تناسبی در میان طاقهای عریض ساسانیان و این طاقهای گلایی نازک نیست (ص ۶) - قسمت های جدید را که آجرهای آن رو پوش ندارد با کمال سهولت می توان تمیز داد.

بجز آجری که در ساختن ستونها و طاقهای ضریبی بکار رفته و گل‌و خشتی که برای بقیه بنا استعمال کرده اند در ساختن این بنا چوب هم بکار برده اند، هر چند که بمقدار کم باشد. بعضی صفحه های چوبی سر ستونها را تشکیل داده و پایه طاقها را روی آن گذاشته اند. از طرف دیوار هم طاقها را روی چوبهایی قرار داده اند که بمنزله پایه طاق است. بالای این تیرها در محور هر طاقی یک سوراخ جای سرتیر که تقریباً ۳۰ سانتی متر در ۳۰ سانتی متر است معلوم میکند که تیر حمال بسیار کلفتی هر جزوی را بدیوار متصل میکرده. ولی این ترتیب فقط در طاق‌نا‌های حیاط مشاهده میشود، در رواق مسجد پایه طاقها را بر یکدیگر تکیه داده اند. از طرف دیگر دیوار رو برو بر اثر فشار بصورت خطرناکی بطرف بیرون خم شده زیرا که در طرف راست ستونها برای آن پشت بندی قرار داده اند و آن عبارت از بوده های خاکی است که در نقشه خود برای معلوم کردن حد اولی بنا در جای آن خط پرداز (هاشور) کشیده‌ام.



هیچ پله‌ای در میان کف طاق
نا‌ها و کف صحن نیست. هیچ اثری
هم نیست که معلوم شود قسمتی
ازین بنا را وقتی فرش کرده باشند.
بنظر می آید که تمام سطح بنا
همیشه یک دست بوده و کف قسمت
های سقف دار هم مانند قسمت
دیگر فقط خاک بوده است.

روی هر فرقه این بنا عبارتست
از دیوارها و طاقهای خشتی

شکل ۷

با مقدار کمی آجر و کمی چوب و فرش و بی نداشته است و چیز دیگری نبوده. ازین حیث تاری خانه قطعاً یکی از محقرترین بنا های عالم است. ولی ذوق هر جا که بخواید راه خود را پیدا میکند. این بنا بواسطه حسن استعمال این مصالح محقر تا زمان ما باقی مانده است. بواسطه توازن تناسبات و مجموع خود هنوز هم یکی از بنا های با شکوه اسلام است.

وقتی که هنگام عصر دیوارهای خشت و گلی میگون آن در پرتو روشنائی مساعد بر افروخته میشود و سایه های خوش قطعی از منظره ملودر آن بر زمین می افتد هیچ چیز بجز یاد بود آن نمیتواند جانشین آن عظمت و زیبایی شود که انظار بینندگان را خیره میسازد.

اینک باید زمان ساختن این بنا را معلوم کرد. بنا بر وصفی که از آن کردم معلوم شد که باید حتی المقدور آنرا بدوره ساسانیان نزدیک دانست ولی باید در زمانی متوقف شد که نقشه اصلی مساجد را کشیده اند. بوسیله نمونه های اصلی می - دانیم که این نقشه از اواسط دوره بنی امیه متداول بوده است. در آن زمان بنا بر گفته میس بل Mis Bel^۱ تبدیل صحن خانه بمرقد کامل بوده است. صحن و رواق وجود داشته. جهت قبله را بوسیله محراب معلوم میکردند.

ولی فقط در اواخر این

دوره است که منبر جزء اثاثه لازم مسجد شده.

پس اگر فرض کنیم که منبر تاریخانه (شکل ۶)

از همان زمان ساختمان

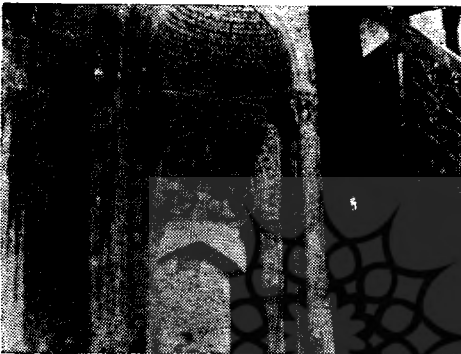
بناست، هر چند که این نکته

قطعی نیست ولی برای ما

تفاوتی ندارد زیرا که

انحراف محل محراب ثابت می کند که همواره در همین محل منبری بوده است. خواه این منبر فعلی باشد یا منبر دیگری، خواه منبری باشد که از مصالح ساخته باشند یا منبر مخری کی باشد در هر صورت میتوان آخر دوره بنی امیه را قدیم ترین زمان ساختمان این بنا دانست.

جدیدترین تاریخ آن قطعاً مقدم بر تاریخ ساختمان مسجد جامع است. تعداد اشکال پایه های طاقهای این بنا ۱ در کمال وضوح ثابت میکند که آنرا مکرر تعمیر کرده اند. ولی قسمت عمومی نقشه آن کاملاً متعلق ببنای اصلی است. همچنانکه مجموع ستونها و طاقها زینت شده



شکل ۷



شکل ۸

۱ - G.L. Bell - Palace and Mosqué at UKhaidir - P. 150

۲ - رجوع شود بنقشه آن در مجله «سیریا» - ۱۹۲۱ - نقشه ۲۸. P. 28. 1921. Syria.

که در اطراف محراب واقع است (شکل ۷) و محراب (شکل ۸) و قسمتی از نماهای صحن (شکل ۹) نیز همان حال را دارد.

در تازی خانه هم طاقهائی که عمود بر بناهای صحن ساخته شده دارای طاقهای ضربی است که همان سلسله ایوانهای ساسانی را تشکیل میدهد که در معبد دامغان هم هست. علاوه شباهت ستونهای زینت شده این مسجد با ستونهای معبد ساسانی که دکتر اریک شمید Erick Schmidt در دامغان کشف کرده است باز حالت قبل از اسلام بعضی عناصر این بنا را معلوم میکند. قطعاً نقشه این مسجد نقشه مسجدی است که شبیه بمعبد ساخته شده و قسمتی از وضع عمومی وزینت آن بسبب دوره ساسانی است ولی معذک از معبد دامغان دور تر از زمانهای اصلی ساخته شده است. نقشه این بنا بارواق های وسیع آن بهمان حال اصلی بدوی خود نیست. زینت های معماری آن در بعضی ستونها با کمال وضوح از دوره اسلامی است، طرز بکار بردن مصالح بسبب دوره ساسانی شباهتی ندارد ولی مخصوصاً طاقهای آن ایرانی است و منکسر و جرزه های آن بزرگی جرزه های تاری خانه نیست.

فی الحقیقه تردیدی نیست که حتی در دوره اسلامی اشکال قدیم را کم کم ناز کتر و ظریفتر کرده اند. هر کسی این مطلب را میدانند و برای ثبوت این نکته کافی است که نقشه های دو بنای دامغان و نائین را با هم قیاس کنند تا اینکه با وضوح ثابت شود که مدت مدیدی در میان ساختمان این دو مسجد فاصله شده است، بنابراین مسجد نائین متعلق بقرن چهارم هجری است. اگر بعضی تصور کنند که این اختلاف ناشی از سلیقه معماران مختلف است که یکی بناهای جسیم را می پسندیده و دیگری بنا های ظریف را مطلوب شمرده است، تاریخ نقاشی و حجاری و حتی معماری ثابت میکند که در صنعت همه کسی تابع مقتضیات زمانه خود است. یونان هرگز در صدد ساختن معبدی بزرگی معبدی که بمعبد مارس منتقم Mars Vangeur معروفست بر نیامد و روم هم نقشه معبدی را مانند معبد پارتئون Parthéon که آنرا محقر میدانستند حقیر می شمرد. در هر زمانه ای محیط مخصوصی از سلیقه ها و احساسات تولید می شود که حتی در کسانی که استقلال ذاتی دارند نفوذ میکند، از طرف دیگر منظره جزئیات فنی تاری خانه هم مانند اینست که این نکته را در انظار ما مجسم میسازد.

تاری خانه فی الحقیقه در زمانی ساخته شده که طاقهای ساسانی که دارای قوس کامل یا زنجیره دار بوده است و دایره آنها تغییر ناپذیر بوده بشکل منکسر در آمده و طاقهای اسلامی را فراهم کرده است.

طاقهای مقصوره این مسجد هنوز کاملاً ساسانی است. معذک اندک تمایلی در آن دیده میشود که در قله آن انکساری تولید کنند و طاقهای رواق آن حالتی

از شکل مخصوص طاقهای ایران دارد. از طرف دیگر معلوم است که تبدیل طاق ساسانی بطاقهای منکسر در بین‌النهرین در ظرف قرن هشتم میلادی پیش آمده. انحنای درگاه‌های « دروازه بغداد »^۱ که باز مانده قصری است که هرون - الرشید در رقه در سال ۱۷۴ هجری بنا کرده همان انحنائی است که مخصوص معماری اسلام میشود. اگر ما درین دوره تصادف تکامل معماری ایرانی را در ایران و در بین‌النهرین محتمل بدانیم میتوان تصور کرد که تازی خانه در میان قدیم ترین زمان ممکن یعنی جلوس اولین خلیفه عباسی سفاح در ۱۳۲ هجری و سلطنت هارون الرشید ۱۷۰ - ۱۹۳ هجری ساخته شده، یعنی در حدود اواسط قرن دوم هجری.

همین نتیجه است که میس بل در باب تاریخ بنای قصر اخیدیر گرفته است و عجب درین است که طاقهای بیضی شکل تازی خانه که تمایلی بطاقهای منکسر ندارد شبیه بهمان طاقهاست.^۲

بنا بر گفته مؤلفین آن زمان همین دوره است که بنی عباس شروع به ساختن مساجد بزرگ در شهرهای عمده ایران کرده اند. **آندره کدار**

راز داری

مگو نا گفنتی در پیش اغیار نه با اغیار با محرم ترین یار
چنان گو راز خود با بهترین دوست که پنداری که دشمن تر کسی اوست
بخلوت نیزش از دیوار می بوش که باشد از پس دیوار ها گوش
و گر بتوان که پنهان داری از خویش مده خاطر بدان معنی میندیش
میندیش آنچه نتوان گفتش باز که تندیشیده به نا گفنتی راز
اگر دانا و گر نادان بود یار بضاعت را بکس بی مهر مسپار
درختی کار در هر گل که کاری کزو آن بر که کشتی طمع داری
سخن در فرجه پرور که فر جام ز وا گفتن ترا نیکو شود نام
نظامی

۱ - ه. سالادن - کتاب صنعت اسلام - معماری - شکل ۲۵۱

H. Saladin Monuel d' Art musulman ۱ L'sihitecture fig. 253

۲ - زرتر و دلوسیان بل - میدان و مسجد ص ۱۶۷ نقشه های ۳۴-۲۶ و ۲۷ و غیره

Gertrude Lowthian Bell - Palace and Mosqué at UKhaidir .
P . 168 , Pl . 34 . 2 . 36 . 2 etc . . .